

حیات معقول و ابعاد تربیت عقلانی از دیدگاه

علامه محمد تقی جعفری (ره)^۱

عبدالسعید محمدشفیعی^۲

علی نجارپوریان^۳

چکیده

این پژوهش به بررسی مفهوم حیات معقول از دیدگاه علامه جعفری و تربیت عقلانی در این مفهوم می‌پردازد. عقل در محافل اندیشمندان اسلامی از دیرباز، منبع استنباط، قوه دراکه و عامله و ممیز مطرح شده و ماهیت تعلیم و تربیت انسان، همان عقلانیت اوست به طوری که اگر عقلانیت از او سلب شود، انسانیت او فرومی‌ریزد و نقش تربیتی او از بین می‌رود. مقوله تربیت نیز از ابتدایی و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است. انسان در پرتوی تربیت صحیح است که به‌عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست یازیده و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌کند در واقع تربیت، فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعداد‌های انسان در جهت مطلوب است. روش پژوهش در این کار، با استفاده از فیش‌برداری و جمع‌آوری از آثار علامه جعفری و استفاده از آرا و اندیشه‌های وی در زمینه حیات معقول و تربیت عقلانی، به‌صورت تحلیلی توصیفی بوده که برای گردآوری داده‌ها از کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. علامه، تربیت عقلانی را پرورش قوه تفکر انسان برای انتقال از حیات معمول به حیات معقول می‌داند. هدفی غایی تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری عبادت و بندگی خدا است.

کلیدواژه‌ها: حیات معقول، تفکر، عقلانیت، تربیت عقلانی، علامه جعفری.

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

تأیید نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

۲. مربی گروه علوم تربیتی، پردیس نسیمیه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران shafiei@cfu.ac.ir

۳. استادیار گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی، پردیس شهید رجائی، دانشگاه فرهنگیان فارس.

۱. مقدمه

تربیت عقلانی، بر پرورش قدرت عقلی دلالت دارد. تربیت عقلانی، آموزش اندیشیدن است نه اندیشه. تربیت عقلانی از سنخ آموزش فهم است، نه مفاهیم. هویت تربیت عقلانی در آموزش فهم و تفکر عقلانی، بروز می‌یابد. در برخی از روایات از عقل به‌عنوان رسول باطنی یاد شده است که هدایت تکوینی انسان در گرو آن است و از منابع اصلی شناخت به شمار می‌رود. از ضروریات زیست در دنیای جدید نیز پرورش قوه تعقل و خردورزی است. به‌همین دلیل در همه نظام‌های آموزشی به شیوه‌ها و روش‌های گوناگون موضوع پرورش عقل و خردورزی مورد توجه قرار گرفته است. علامه محمدتقی جعفری یکی از اندیشمندان اسلامی است که به‌موضوع خردورزی و تربیت عقلانی و حیات معقول توجه ویژه‌ای داشته است. استنتاج نظریات ایشان می‌تواند راهگشای دستیابی به نظریه‌ای جامع در باب تربیت عقلانی در نظام تربیتی کشور ما باشد.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. بیان مسئله و ضرورت انجام پژوهش

تعقل موجودی است مجرد لیکن از ابتدای زندگی آدمی، مجرد تام و موجود بالفعل نیست؛ بلکه به بدن تعلق دارد و چون به بدن متعلق است، حرکت و تکامل دارد. چنان نیست که عقل و نفس انسان از آغاز وجود تا آخر عمر یکنواخت باقی بماند؛ بلکه با استفاده از بدن پیوسته در حرکت و تکامل است. عقل زینت‌بخش وجود آدمی و وجه امتیاز اوست بر سایر موجودات جهان و در دنیای وجود انسان از بالاترین ارزش برخوردار است؛ چرا که اولین مخلوق خدا و گران‌مایه‌ترین نعمتی است که او به بشر ارزانی داشته است. عقل مورد خطاب ذات باری و رسول او و این‌همه بیانگر عظمت آن و سزاوار است که این گوهر وجود آدمی سخت مورد توجه قرار گیرد. بیان ویژگی‌های ارزشمند آن بدین دلیل است که قدر و منزلت آن روشن و مبرهن شود تا انسان‌ها با آگاهی بر منزلت و نقش آن ره به سوی سعادت بسپارند و از این نعمت الهی بهره لازم را بگیرند. در عظمت عقل همین مقدار کافی است که

تمام اساس تمدن‌ها و کشف قوانین و مجهولات با این نیروی با عظمت انجام می‌شود (محمودی و ملکی، ۱۳۹۴).

عقل در محافل اندیشمندان اسلامی از دیرباز، منبع استنباط، قوه دراکه و عامله و ممیز مطرح شده و ماهیت تعلیم و تربیت انسان، همان عقلانیت اوست به طوری که اگر عقلانیت از او سلب شود، انسانیت او فرومی‌ریزد و نقش تربیتی او محال می‌شود (وحدانی فر، ۱۳۹۳: ۱۴۸).

مقوله تربیت نیز از ابتدایی و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است. نه تنها تربیت لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی که متن است و بلکه زندگی از گهواره تا گورش جلوه‌ای از آن است. انسان در پرتوی تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست یازید و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌کند در واقع تربیت، فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب است (شکوهی یکتا، ۱۳۸۴: ۴).

هدف تربیت این است که آدمی به سرمنزل سعادت برسد و کسب سعادت‌مندی از طریق تأمل و تعقل میسر می‌گردد. با مروری بر تاریخ و مسیر زندگانی بشر با تمدن‌هایی روبه‌رو می‌شویم که دچار سقوط و افول شده‌اند. ویل دورانت علت اساسی آن را بر بیراهه رفتن جوامع و انحطاط اخلاقی آنان می‌داند (ویل دورانت، ۱۳۷۸: ۴۸، به نقل از ملکی).

از آنجاکه عقل قابل تربیت و تقویت و تکامل است، هر انسانی می‌تواند به عقل خویش بیفزاید و آن را کامل‌تر گرداند؛ با وجود این بعد عقلانی که به عنوان استعدادی در وجود آدمی نهاده شده است به خودی خود شکوفا نمی‌شود؛ بلکه برای پیمودن منزل سعادت و راه تکامل به هدایت و تربیت نیاز دارد و اینجاست که تربیت عقلانی به معنی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان در ارتباط با روان در درون و هستی در بیرون، ضرورت پیدا می‌کند (ملکی، ۱۳۸۹: ۲۵۴).

انسان موجودی است که می‌تواند از نیروی تفکر برخوردار باشد؛ به همین دلیل بر سایر موجودات برتری دارد به گونه‌ای که سایر ابعاد وجودی وی از جمله جنبه‌های عاطفی، سیاسی، دینی و اجتماعی او در حد وسیعی تحت سیطره جنبه عقلانی قرار

دارد. بدون تردید تربیت عقلانی در تربیت مطلوب سایر جنبه‌های وجودی انسان نقش اساسی و عمده‌ای ایفا می‌کند و راه کسب توفیق در تربیت دینی، سیاسی، اجتماعی به تربیت آن منوط است؛ پس شرط توفیق در تربیت اجتماعی، سیاسی و... تربیت مطلوب عقلانی است و تربیت عقلانی شالوده دیگر انواع تربیت به شمار می‌رود (ملکی، ۱۳۹۴).

علّامه جعفری در تبیین مقوله تعلیم و تربیت و تمایز بین «تعلیم» و «تربیت»، خاطر نشان می‌سازد آموزش عبارت است از تعلیم؛ غیر از پرورش است که عبارت است از تربیت. آموزش، فراگیری است؛ فراگیری واقعیاتی که بهترین وسیله روشنایی مسیر زندگی با ابعاد مادی و معنوی‌اش است. پرورش، گردیدن است و گردیدن، گرچه به فراگیری نیازمند است، ولی عین آن نیست، بلکه عبارت است از تحوّل و دگرگونی در من یا حداقل در عناصر فعال اساسی (جعفری، ۱۳۷۹: ۵۳).

همان گونه که از تعریف مزبور برمی‌آید، تعلیم گام نخست تربیت است و به تعبیر ایشان، «وسیله روشنایی مسیر زندگی.» در اینجا به کارکرد تعلیم به مثابه «وسیله» اشاره شده است نه هدف. اگر تعلیم به تربیت منجر نشود مطمئناً وافی به مطلوب نخواهد بود. تعلیم بدون تربیت در مقام تشبیه به حرکت قافله‌ای می‌ماند که برای نیل به مقصدی عزم سفر کرده و به منزلگاهی در نیمه راه رسیده است؛ اما اگر نیمه دیگر راه را تا نیل به هدف نپیماید، محنت سفر را بی‌جهت به جان خریده و هدف اساسی سفر محقق نشده است.

ایشان با ارائه الگوی «حیات معقول» به‌عنوان اصلی‌ترین هدف جامعه بشری، وظیفه تعلیم و تربیت را زمینه‌سازی برای انتقال از حیات معمول به حیات معقول می‌داند که از طریق دو رویه مهم، یعنی «علم» و «دین» امکان‌پذیر است. (همان) در این زمینه، نظام تعلیم و تربیت باید با رویکردی مبتنی بر عقلانیت به هر دو رویه در حد اعتدال بپردازد و با ارائه راه‌کارهای اثربخش، به تعمیق معرفت افراد همت گمارد و با بهره‌گیری از حس کنجکاوی و تقویت روح پرسشگری در متعلّمان و توجه ویژه به مقوله «هنر»، مقدمات تحقق ایده «حیات معقول» را در جامعه فراهم آورد. مقصد و هدف تکاپوی آدمیان در هر عرصه‌ای باید تحقق «حیات معقول» باشد (همان).

ساده‌ترین برداشتی که از «حیات معقول» به ذهن متبادر می‌گردد، زندگی است که بر مبنای عقلانیت بنا شده است؛ اما منظور از عقلانیت چیست؟

علامه جعفری تعقل را چنین تعریف می‌کند:

تعقل عبارت است از تفکر هدف‌دار با انطباق بر قوانینی که صحت آن‌ها اثبات شده است؛ به عبارت دیگر، هر قضیه‌ای پیش از اثبات شدن، ماده‌ای است برای تعقل و پس از اثبات، قانونی است که تعقل باید بر طبق آن حرکت کند (همان: ۱۲۹).

بنابراین، نظام تربیتی نباید فعالیت خود را در تعلیم خلاصه کند، بلکه این «گردیدن در مسیر کمال» است که فرایند تعلیم و تربیت را تکمیل کرده و به سرانجام می‌رساند.

علامه جعفری منظور از گردیدن در مسیر کمال را «انتقال از حیات طبیعی محض به حیات معقول» می‌داند و مسلماً هدف و وظیفه اصلی تعلیم و تربیت این است که این انتقال یا گردیدن را رهبری و هدایت نماید (همان: ۱۳۰).

علامه جعفری با ارائه حیات معقول به عنوان اصلی‌ترین هدف جامعه بشری، الگوی عقلانی تربیت را پرورش قوه تفکر انسان برای انتقال از حیات معمول به حیات معقول می‌داند که از طریق دو روش، یعنی علم و دین امکان‌پذیر است.

در این زمینه، نظام تعلیم و تربیت باید با رویکردی مبتنی بر عقلانیت به هر دو روش در حد اعتدال بپردازد و با ارائه راهکارهای اثربخش به تعمیق معرفت افراد همت گمارد و با بهره‌گیری از حس کنجکاوی و تقویت روح پرسش‌گری در متعلمان را در جامعه فراهم آورد. آنچه در حیات معقول مهم تلقی حیات معقول مقدمات تحقیق فکر می‌شود، عقل و فعالیت عقلانی آدمی است (جعفری، ۱۳۷۴، جلد ۸: ۱۰۶).

متأسفانه، آنچه در نظام تعلیم و تربیت ما در حال حاضر رواج دارد، این است که نظام تعلیم و تربیت ما در حال حاضر به جای اینکه در دانش‌آموز، حس کنجکاوی و روح پرسشگری را تقویت کند و در برنامه‌ریزی‌های خود رویکرد مبتنی بر عقلانیت را مورد توجه قرار دهد با توجه به اصول، اهداف و روش‌هایی که دارد، فراگیر را بیشتر

به این سمت و سو می‌برد که از پرورش قوه تفکر خود کمتر استفاده کند (ملکی، ۱۳۹۸).

باتوجه به ضرورت پرداختن نظام آموزشی به خردورزی و پرورش عقلانیت و جایگاه ویژه اندیشه‌های علامه جعفری به عنوان فیلسوفی تأثیرگذار در نظام فرهنگی و تربیتی ما، ضرورت دارد اندیشه‌های تربیتی علامه جعفری در زمینه تربیت عقلانی به عنوان مسئله پژوهشی مطرح شود که از طریق این پژوهش به سؤال‌های اساسی زیر پاسخ داده خواهد شد:

۱ - حیات معقول از دیدگاه علامه جعفری چیست؟

۲ - تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری چیست؟

۲-۲. روش پژوهش

روش این پژوهش تحلیلی - توصیفی بوده و برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و جمع‌آوری از آثار علامه جعفری و استفاده از آرا و اندیشه‌های وی در زمینه حیات معقول و تربیت عقلانی، استفاده شده است. در ادامه با بررسی و تدقیق مفهوم حیات معقول و تحولات آن به بررسی ابعاد و چستی و چرایی و چگونگی تربیت عقلانی خواهیم پرداخت.

۲-۳. تبیین مفهومی حیات معقول

با مطالعه تاریخ بشری، حیات انسانی به دو نوع «حیات طبیعی محض» و «حیات معقول» قابل تقسیم است. زندگی طبیعی محض نوعی زندگی حیوانی است و افرادی که در آن غوطه‌ورند، به تنازع بقا مشغول‌اند. در حیات طبیعی محض، افراد فقط به اشباع غرایز طبیعی خود می‌پردازند و حیات انسانی نیز اسیر خواسته‌های طبیعی افراد است و ابعاد مثبت وجود انسان نیز به فراموشی سپرده می‌شود. حیات معقول عبارت است از: حیات آگاهانه‌ای که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبر نمای زندگی طبیعی را با برخورداری از رشد آزادی شکوفان در اختیار، در مسیر هدف‌های تکاملی نسبی تنظیم نموده، شخصیت انسانی را که تدریجاً در این گذرگاه ساخته می‌شود، وارد هدف‌های اعلای زندگی می‌نماید. این هدف‌ها، شرکت در آهنگ کلی هستی و وابسته به کمال برین است (جعفری، ۱۳۸۹: ۵۹).

در این تعریف بر اساس دیدگاه علامه جعفری (استخراج و تلخیص از کتاب حیات معقول، ۱۳۸۹)، چند عنصر مهم و قابل تأکید وجود دارد:

۱-۳-۲. حیات آگاهانه: انسانی که در مسیر حیات معقول قرار دارد، از حیات آگاهانه برخوردار است. چنین فردی دارای شخصیت مستقل است و فعالیت‌هایی که از وی سر می‌زند، همه مستند به شخصیت اصیل او می‌باشند، نه آن که عکس‌برداری از حیات و رفتار دیگران باشد. انسانی که در مسیر حیات معقول قرار دارد، از اصول و ارزش‌های حیات خویش به‌خوبی آگاه است و بر مبنای آن‌ها عمل می‌کند.

۲-۳-۲. نیروها و فعالیت‌های جبری و شبه جبری زندگی طبیعی را با برخوردار از آزادی در مسیر هدف‌های تکاملی قرارداد: انسانی که در مسیر حیات معقول قرار دارد، از علل و عوامل جبری که او را احاطه کرده‌اند، به‌خوبی آگاه است و سعی می‌کند تا از آزادی خود بهره‌برداری صحیح کند. به‌طور مثال: اگر چنین انسانی مقامی را به دست آورد، نمی‌گذارد تا عوامل مقام‌پرستی که او را از هر طرف احاطه کرده‌اند، وی را از مسیر کمال و التزام به ارزش‌های والای انسانی دور کند. در حیات معقول، انسان به مرحله والای اختیار می‌رسد و هراندازه انسان از آزادی در راه اختیار بیش‌تر بهره‌برداری کند، از حیات معقول، والاتری برخوردار خواهد بود. در تحقق حیات معقول، نقش عوامل محیطی و مدیران و مربیان جامعه را نباید نادیده گرفت. اگر محیط اجتماعی ناسالم و بیمارگونه باشد، امکان شکوفایی اختیار و در نتیجه حیات معقول از میان خواهد رفت. از این‌رو، مدیران و مربیان جامعه باید به ترویج ارزش‌های والای انسانی در اجتماع بپردازند.

۳-۳-۲. مسیر هدف‌های تکاملی: در مسیر حیات معقول هر عمل و گفتار و حتی فعالیت‌های مغزی انسان در مسیر کمال قرار دارد. انسان در هیچ یک از مراحل حیات تصور نمی‌کند که به کمال نهایی نائل شده است و همواره در تکاپوست تا به اصل بالاتری نائل شود.

۴-۳-۲. شخصیت انسان در مسیر ساخته‌شدن: در حیات معقول همه استعداد‌های مثبت انسان به فعلیت می‌رسد و انسان از سعادت حقیقی برخوردار

می‌شود. در مسیر حیات معقول، احساسات خام و ابتدایی انسان به احساسات تصعید شده و تعلق‌های جزئی به تعلق‌های عالی‌تر تحول پیدا می‌کند. شخصیت آدمی در مسیر حیات معقول از واقعیات بیرون و درون بهره‌برداری صحیح می‌کند، زیرا تمام ابعاد وجودی انسان در مسیر گردیدن‌های تکاملی قرار می‌گیرد.

۲-۳-۵. ورود به هدف اعلا‌ی زندگی: اگر انسان در تمایلات جبری و شبه جبری «خود طبیعی» غوطه‌ور باشد، هیچ‌گاه به هدف اعلا‌ی زندگی نائل نمی‌شود. برای وصول به هدف اعلا‌ی زندگی اولاً باید از فعالیت‌های عقل سلیم که با وجدان پاک و دریافت‌های فطری آدمی هماهنگ می‌باشد، بهره‌برداری کرد. ثانیاً، باید اراده و عزم جدی داشت تا بتوان از فعالیت‌های عقلانی که تفسیرکننده هدف اعلا‌ی زندگی می‌باشد، بهره‌برداری کرد (استخراج و تلخیص از کتاب حیات معقول، ۱۳۸۹). پس از بیان مفهوم حیات معقول لازم است به تحولات و مراحل موجود در ایجاد حیات معقول اشاره شود:

۲-۴. تحول و تبدیل یازده‌گانه در مراحل حیات معقول

این تحول و تبدیل در مراحل حیات معقول بدین قرار است: (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

۲-۴-۱. تبدیل احساسات خام به «احساسات تصعید شده».

۲-۴-۲. جریانات ذهنی گسیخته به «اندیشه‌های مربوط به موضوع خاص» مبدل خواهد شد.

۲-۴-۳. محبت‌های خام به «محبت‌های معقول» تبدیل می‌گردد.

۲-۴-۴. تبدیل آرزوهای دورودراز به «امیدهای محرک»

۲-۴-۵. علاقه و عشق‌های صوری به «عشق و علاقه‌های کمال‌بخش» مبدل خواهد شد.

۲-۴-۶. قانع بودن به مفاهیمی بی‌اساس درباره خیر و کمال، به تلاش و تکاپو برای دریافت واقعیت خیر و کمال مبدل می‌شود.

۲-۴-۷. تقلید و پذیرش محض از میان خواهد رفت و جای آن را «نظر و اندیشه و واقع‌یابی اصیل و مستقیم» خواهد گرفت.

۲-۴-۸. شطرنج‌بازی‌های عقل نظری جزئی از میان خواهد رفت و جای آن را «هماهنگی عقل سلیم و وجدان واقع‌بین» خواهد گرفت.

۲-۴-۹. بازی با تمایلات به آزادی تصعیدشدن تبدیل خواهد شد.
 ۲-۴-۱۰. خود را نافته جداافتاده از دیگر انسان‌ها دیدن، به «درک وحدت عالی انسانی و تساوی انسان‌ها در هدف یا وسیله بودن» تبدیل خواهد شد.
 ۲-۴-۱۱. تبدیل رضایت به هدف نهایی بودن منزلگه‌های زندگی، به «خود را همواره در راه دیدن»

تربیت عقلانی در واقع فراهم کردن زمینه این تحولات است. در ادامه به اختصار به برخی از این تحولات در قالب تربیت عقلانی پرداخته می‌شود اگرچه هر یک از این تحولات شایسته بررسی تفصیلی هستند.

۲-۵. تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری

۲-۵-۱. چپستی تربیت عقلانی

از دیدگاه تاریخی، فلسفه تعلیم و تربیت پیوسته و به‌گونه‌ای مؤکدانه، نظریاتی را مطرح می‌سازد که در آن‌ها پرورش استدلال، عقل و عقلانیت به‌عنوان مرکز و محور تعلیم و تربیت مطرح بوده است (سیگل، ۲۰۰۶: ۳۰۵، به نقل از محمودی، ۱۳۹۴).
 انواع گوناگون تعلیم و تربیت که اصطلاحاً اخلاقی، سیاسی، زیبایی شناختی و غیره نام گرفته، همه از مؤلفه‌های شناختی یا عقلانی برخوردار است. با این حال، مؤلفه شناختی به قدری اهمیت دارد که بویژه تأکید بر تعلیم و تربیتی که غایت یا هدف مستقیم آن دانستن و فهمیدن است و نه لزوماً توجه به غایت مستقیمی ورای آن حیاتی و سرنوشت ساز است.

تعلیم و تربیت در رایج‌ترین کاربرد خود بر عقلانیت یعنی پرورش اندیشه دلالت دارد. تربیت عقلانی در میان نخستین فیلسوفان تعلیم و تربیت یافت می‌شود. نخستین حامیان تربیت عقلانی، فیلسوفان یونان یعنی سقراط، افلاطون و ارسطو بودند. امروزه با اینکه هنوز رئالیسم کلاسیک یا خردگرایی و تجربه‌گرایی عملی دیویی محورهای بحث است، شاهد بحث دیگری درباره نوعی از تربیت عقلانی هستیم. در این میان انتقادات بسیاری که از مدارس ما می‌شود، یکی از انتقادات عمده و برجسته به نبودن تربیت عقلانی، جدی است. این انتقادات در تمام سطوح تعلیم و تربیت در ایالات متحده مطرح است (الیاس، ۱۳۸۵: ۴۷ و ۴۸).

از جمله اندیشمندان اسلامی که به تربیت عقلانی پرداخته، علامه جعفری است. علامه جعفری به‌عنوان اصلی‌ترین هدف جامعه بشری، تربیت عقلانی را پرورش « حیات معقول » با ارائه الگوی قوه تفکر انسان برای انتقال از حیات معمول به حیات معقول می‌داند که از طریق دو رویه مهم یعنی علم و دین امکانپذیر است. در این زمینه، نظام تعلیم و تربیت باید با رویکردی مبتنی بر عقلانیت به هر دو رویه در حد اعتدال بپردازد و با ارائه راهکارهای اثر بخش به تعمق معرفت افراد همت گمارد و با بهره‌گیری از حس کنجکاو و تقویت روح پرسشگری در فراگیران، مقدمات تحقیق را در جامعه فراهم آورد. آنچه در حیات معقول مهم تلقی می‌شود، عقل و حیات معقول فعالیت عقلانی آدمی است (جعفری، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۰۶).

تعلیم و تربیت آدمی پیچیده، پرمایه و وقت گیر است که همکاری نهادهای مختلف و افراد متعدد و هماهنگی همه و فعالیت‌های مربوط را ایجاب می‌کند. اولین شرط هماهنگی فعالیت‌ها، وحدت هدف و مقصد است که باید برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوط را هدایت کند. از دیدگاه علامه جعفری، هدف، حقیقت مطلوب است که اشتیاق وصول به آن محرک انسان برای انجام دادن کارها و انتخاب وسیله‌هایی است که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید (جعفری، ۱۳۷۴، ج ۱: ۸۰).

هدف نهایی تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری « عبادت و بندگی خداوند » است که در طول و بالای اهداف واسطه‌ای قرار دارد که پس از آن ذکر خواهد شد.

۲-۵-۲. چرایی تربیت عقلانی:

هدف اعلا و نهایی زندگی، تحول و به ثمر رسیدن جوهر انسانی است که با عبادت از ماده و مادیات آزاد و به بالا منتهی می‌شود. مقصود از عبادت که هدف نهایی زندگی است، آن معنای عرضی که در ذهن مردم عادی متداول شده است نیست. معنای عبادت به ثمر رسانیدن جوهر حیات در ابعاد بسیار گوناگون است و به معنای بسیار وسیع از آن هنگام که انسان از تسلیم شدن به جریان طبیعی محض موجودیت خود، رها می‌شود و به مرحله آگاهی از جان می‌رسد که دمی از ملکوت است. عبادت او شروع می‌شود.

همین که آدمی از جان پاک خود که با تکاپوی عقلانی و وجدانی و عضلانی جوهر خود را به فعلیت می‌رساند، آگاه گشت و این اندازه درک کرد که جزئی از آن

آهنگ هستی است که برای حرکت و گرویدن در مشیت الهی نواخته می‌شود به عبادت مشغول گشته است. از دیدگاه علامه، عبادتی که هدف نهایی تعلیم و تربیت معرفی می‌شود، تنها انجام دادن فرایض دینی و واجبات و مستحبات نیست، بلکه این امور تنها بخشی و جزئی از هدف والای نیز «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» زندگی است. با نظر کردن به این مباحث معنای آی بروشنی درک خواهد شد (جعفری، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۶۷).

در اینجا وظیفه تعلیم و تربیت به عنوان زمینه‌ساز «حیات معقول» این است که اولاً مهارت‌های لازم برای تعقل را به افراد آموزش دهد و ثانیاً متعلمان خویش را در تشخیص اهداف متعالی زندگی یاری نماید. بدین منظور، تعلیم و تربیت باید به انسان‌ها کمک کند که از مرحله احساسات یا همان حیات طبیعی، به مرحله تعقل یا حیات معقول حرکت کنند. علامه جعفری در این باره اعتقاد دارد که اگر بتوانیم برای انسان مراحل از بلوغ را تصور کنیم، مهم‌ترین مرحله بلوغ او همان دوران انتقال از احساسات به دوران تعقل است. اگر تعلیم و تربیت به تقویت فعالیت‌های عقلانی فرد نپردازد، نوعی احساس پوچی و بی‌اهمیتی نسبت به زندگی در درون او بروز می‌کند؛ بنابراین، انتقال از زندگی مبتنی بر احساسات به زندگی مبتنی بر تعقل، نیاز به رهبری بسیار ماهرانه‌ای دارد؛ زیرا همان‌گونه که کم‌توجهی به عقلانیت، منجر به تعلیم و تربیت سطحی می‌گردد، تأکید افراطی بر تعقل می‌تواند ریشه احساسات را بخشکاند. در اینجا وظیفه معلم و مربیان این است که با حفظ تعادل و توجه به شرایط روحی و روانی متعلمان، امتیازات تعقل و ضرورت مراعات احکام آن را به آن‌ها گوشزد نمایند (همان).

۲-۵-۳. چگونگی تربیت عقلانی

در بیان چگونگی تربیت عقلانی به سه محور اساسی می‌توان اشاره کرد: شناخت علمی جهان، سؤال محوری، تربیت هنری

۲-۵-۳-۱. شناخت علمی جهان

جعفری در کتاب علم از دیدگاه اسلام طی بحث مبسوطی، علم و دین را دو رویه «حیات معقول» معرفی نموده و چنین استنباط کرده است که این دو حوزه می‌توانند در اعتلای حیات معقول راهگشا باشند. البته علم باید واجد دو شرط

اساسی باشد: اولاً، خرد و عقلانیت انسان راهبر آن علم باشد نه اینکه علم چنان قدرتی یابد که انسان مسخ شده را به دنبال خود بکشاند. ثانیاً، علمی در اسلام واجد ارزش است که به کارکرد دوم خود که همانا «عمل و گردیدن» است منجر شود. چنین علمی از منظر اسلام صبغه معنوی می‌یابد و تعلیم و تعلم آن عبادت محسوب می‌شود. این علم قادر است هر دو بعد مادی و معنوی انسان را برای به فعلیت رسیدن در مسیر تکامل تضمین کند.

علّامه جعفری، بعد علمی را یکی از عوامل به ثمر رساننده تربیت می‌داند: شناخت علمی جهان هستی با هدف‌گیری واقع‌یابی که موضوعش آیات الهی در آفاق و انفس است، به اندازه معرفت دینی که زمینه را برای عرفان آماده می‌کند، مطلوبیت دارد. آن کسی که می‌خواهد از این دنیا عروج کند، چگونه می‌تواند بدون شناخت واقعی این دنیا، احساس کند و بفهمد که عروج کرده است؟ (همان، ۱۹۲). از این رو، «شناخت علمی» می‌تواند یکی از رویه‌های مهم تعلیم و تربیت اسلامی باشد. این رویه نه تنها منافاتی با تربیت دینی ندارد، بلکه می‌تواند همگام با تربیت دینی، ایده حیات معقول را عملی سازد. پس لازم است که معلمان و مربیان از همان آغاز، اهمیت و ارزش علم را متذکر گردند. جعفری عقیده دارد آن گروه از مربیان که انسان‌های مورد تربیت خود را آغاز کار و به طور مستقیم، از جهان هستی بریده و متوجه عالم معنا می‌کنند، به گونه‌ای که انسان مورد تربیت تدریجاً با یک «من» عریان و مجرد از هستی روبه‌رو می‌گردد، تعلیم و تربیت را به فرایندی یک‌بعدی و ناکارآمد تبدیل می‌کنند.

۲-۳-۵-۲. سؤال محوری

علّامه جعفری از جمله اندیشمندانی است که معتقد است تعلیم و تربیت باید رویکردی «سؤال محور» داشته باشد، به‌ویژه در عصری که پرکردن مغز دانش‌آموزان با اطلاعاتی که همواره در حال افزایش و تغییر است، رویکردی منسوخ به حساب می‌آید. امروزه تعلیم و تربیتی کارایی دارد که بتواند در ذهن دانش‌آموز پرسش تولید کند نه اینکه با تلاش در جهت اطلاعات، هیجانانگیز و رشحات افکار او را راکد سازد. از سوی دیگر، تعلیم و تربیتی می‌تواند موفق باشد که با ویژگی‌های ذاتی انسان، از جمله استعدادها و گرایش‌های درونی او، تطابق داشته باشد. یکی از ناب‌ترین

ویژگی‌های هر انسان حس کنجکاوی اوست که از زمان تولد و در اوان کودکی خود را هویدا می‌سازد. از این رو، یکی از وظایف خطیر نظام تعلیم و تربیت حفظ و صیانت از این ویژگی و پرورش آن در سایه تجربیات مدرسه‌ای است؛ اما متأسفانه برخی نظام‌های تربیتی «پاسخ محور» به گونه‌ای عمل می‌کنند که با افزایش سن و قرار گرفتن بیشتر افراد در معرض تجربیات مدرسه‌ای، حس کنجکاوی آن‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود.

بنابراین، توجه به رویکرد «سؤال محوری» از ضرورت‌های تعلیم و تربیت در هر عصری به‌ویژه عصر حاضر می‌باشد؛ ضرورتی که همواره صاحب‌نظران بزرگ تعلیم و تربیت به اهمیت آن اشاره کرده‌اند. علامه جعفری نیز از اندیشمندانی است که به اهمیت سؤال و پرسشگری پی برده و به معلمان و مربیان نیز توصیه می‌کند که دانش‌آموزان را با اهمیت و ضرورت سؤال آشنا کنند. در این زمینه، چند نکته منقول از ایشان می‌تواند برای معلمان و اصحاب تعلیم و تربیت مفید باشد:

- باید شاگردان را عادت داد که در فرایند کسب معرفت، همواره «دلیل و برهان» هر موضوعی را مطالبه نمایند. چنین رویکردی علاوه بر اینکه منجر به تعمیق معرفت خواهد شد، می‌تواند از پذیرش کورکورانه حقایق و معارف جلوگیری نماید.
- در جریان آموزش، باید معلم فرصت‌هایی را فراهم کند تا دانش‌آموزان درباره آنچه آموزش دیده‌اند، بیندیشند. ایجاد وقفه‌هایی در تدریس به‌عنوان «زمان انتظار»، زمینه‌های رویش جوانه‌های سؤال را به وجود می‌آورد.
- معلم همواره باید با متانت و گشاده‌رویی با سؤالات دانش‌آموزان مواجه شود و آگاه باشد که اعتراف به ندانستن و نشان دادن میل به دانستن، نه تنها خدشه‌ای به اعتبار او وارد نمی‌سازد، بلکه صداقت و اشتیاق وافر به دانستن را به دانش‌آموزان منتقل می‌سازد.
- معلم نباید برای حفظ موقعیت خود یا به سبب وحشت از مواجهه با حقایق جدید، پاسخ سؤال شاگرد را چنان ابهام‌آمیز و پیچیده بدهد که انگیزه سؤال‌کننده را برای پیگیری موضوع، از بین ببرد.

در نهایت، معلم باید همواره توجه شاگردان را به چهار سؤال مهم بشری (من کیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ و به کجا می‌روم؟) جلب نماید، به گونه‌ای که شاگرد در هر مرحله از زندگی به این سؤالات بیندیشد و بنا به سطح فکر خویش سعی کند باتکیه بر عقلانیت و تفکر در آموزه‌های دینی برای آن‌ها جوابی قانع‌کننده بیابد. تأمل در این سؤالات و تلاش برای پاسخ به آن‌ها مطمئناً اثرات عمیقی بر فرایند تربیت شخص و حرکت او به سمت «حیات معقول» خواهد داشت.

۲-۳-۵. تعلیم و تربیت و هنر

با اینکه «هنر» یکی از نمودها و جلوه‌های بسیار شگفت‌انگیز و سازنده حیات بشری است، اما درباره ارتباط دوجانبه آن با تعلیم و تربیت و خدمات متقابلی که این دو حوزه می‌توانند به یکدیگر ارائه دهند، کمتر تأمل و بحث شده است. از یک سو، تعلیم و تربیت می‌تواند ضوابط یک نمود هنری و طرز برداشت و بهره‌برداری از آن را آموزش دهد و منجر به بسط و اشاعه هنر گردد و از سوی دیگر، هنر متعالی، قادر است انسان را به هدف معقول و تکاملی حیات رهنمون سازد که این عمل همسو با اهداف هرگونه تعلیم و تربیت حقیقی است.

پس نظام تعلیم و تربیت و متولیان آن در قبال هنر و اشاعه آن وظایفی دارند که با انجام صحیح آن‌ها، می‌توانند موجبات رشد و تعالی انسان را فراهم آورند. در اینجا به ذکر پاره‌ای از این وظایف می‌پردازیم.

از آن‌رو که «هنر» یک بعد مهم از ابعاد وجودی انسان است که می‌تواند منجر به کشف استعدادها و باز شدن میدان نبوغ انسان‌ها گردد، باید مورد توجه تعلیم و تربیت قرار گیرد و به‌عنوان ابزاری اثربخش در پیشبرد اهداف تربیتی به آن توجه شود. شاید اولین گام در این مسیر، جلب توجه دانش‌آموزان به «هنر و زیبایی» و «قدرشناسی از هنر» باشد. خداوند در موارد زیادی به بندگان خود دستور می‌دهد که به زیبایی‌های جهان توجه کنند؛ از جمله می‌فرماید: «آیا به آسمان در بالای سرشان ننگریستند که آن را چگونه ساختیم و به زیبایی آراستیم.» (ق: ۶) اگر خداوند خود جهان را زیبا نیافریده بود و حس زیبایی‌جویی را نیز در وجود انسان به ودیعه نهاده بود، مسلماً به توجه و قدرشناسی از هنر و زیبایی دستور نمی‌داد.

نکته دیگر اینکه مربیان فهیم باید به متعلمان خویش بیاموزند که در مواجهه با یک اثر هنری، تنها نباید به نمود عینی و ملموس آن توجه کرد، بلکه یک اثر هنری مفید می‌تواند حامل پیامی ارزشمند در پس این نمود عینی باشد، به شرطی که گیرنده‌های فرد برای دریافت آن آماده و حساس باشند؛ اما از نظر علامه جعفری، مهم‌ترین وظیفه تعلیم و تربیت در قبال هنر این است که به فراگیران این آگاهی را بدهد که اگر تحیر و تموجی که به وسیله هنر در فرد ایجاد می‌شود، مقدمه‌ای برای دگرگونی تکاملی نباشد، هنر چیزی جز یک وسیله معمولی برای ایجاد یک پدیده‌ای روانی زودگذر در انسان نیست. پس تعلیم و تربیت باید در مرحله نخست، متعلمان را آماده بهره‌برداری از هنر متعالی نماید.

۳. نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا به دو پرسش؛ حیات معقول از دیدگاه علامه جعفری و تربیت عقلانی از دیدگاه ایشان چیست، پاسخ داده شود. در پاسخ به پرسش اول مبنی بر اینکه حیات معقول از دیدگاه علامه جعفری چیست؟ به این نتیجه رسیدیم که: حیات معقول عبارت است از: حیات آگاهانه‌ای که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبر نمای زندگی طبیعی را با برخورداری از رشد آزادی شکوفان در اختیار، در مسیر هدف‌های تکاملی نسبی تنظیم نموده، شخصیت انسانی را که تدریجاً در این گذرگاه ساخته می‌شود، وارد هدف اعلای زندگی می‌نماید. این هدف اعلا، شرکت در آهنگ کلی هستی وابسته به کمال برین است. در پاسخ به پرسش دوم مبنی بر اینکه تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری چیست؟ به این نتیجه رسیدیم که: تعلیم و تربیت آدمی پیچیده، پدیده و وقت‌گیر است که همکاری نهادهای مختلف و افراد متعدد و هماهنگی همه و فعالیت‌های مربوط را ایجاب می‌کند. اولین شرط هماهنگی فعالیت‌ها، وحدت هدف و مقصد است که باید برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوط را هدایت کند. از دیدگاه علامه جعفری، هدف، حقیقت مطلوب است که اشتیاق وصول به آن محرک انسان برای انجام‌دادن کارها و انتخاب وسیله‌هایی است که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید. هدف نهایی تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری عبادت و بندگی خداوند است که در طول و بالای اهداف واسطه‌ای قرار دارد که پس از آن ذکر خواهد شد.

پیشنهاداتی برای پژوهش بیشتر:

- باتوجه به اینکه مسئله حیات معقول زمینه را برای انجام پژوهش‌های فراوانی مهیا می‌سازد، نسبت به پژوهش در این حوزه همت گمارده شود.
- زندگی عاقلانه از دیدگاه آلبرت آلیس را با حیات معقول از دیدگاه علامه جعفری بررسی و مقایسه شود.

منابع

- الیاس، جان (۱۳۸۵). *فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر)*؛ ترجمه عبدالرضا ضرابی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- بهشتی، سعید (۱۳۸۶). *آیین خردپرووری*؛ تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۴). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*؛ تهران: انتشارات دفتر فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹). *تعلیم و تربیت اسلامی*؛ تهران: پیام آزادی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۹). *حیات معقول*؛ تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۹). *علم و دین در حیات معقول*؛ تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- دورانت، ویل (۱۳۷۸). *تاریخ تمدن*؛ ترجمه اسماعیل دولت شاه. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- شکوهی یکتا، محسن (۱۳۸۰). *تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش‌ها)*؛ تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- علوی، سید حمیدرضا (۱۳۹۳). «تربیت عقلانی باتوجه به آیات جزء بیست و هفتم قرآن کریم»، *مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی کرمان*، سال ۶، شماره ۹: ۴۵ تا ۶۸.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹). *تعلیم و تربیت اسلامی با رویکرد کلان نگر*؛ تهران: انتشارات عابد.
- وحدانی فر، هادی (۱۳۹۳). «بازشناسی مفهوم دینی عقل، مبنایی برای تعلیم و تربیت در اسلام»، *مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی کرمان*، سال ۶، شماره ۹: ۱۴۷ تا ۱۶۹.